

# امنیتی سازی ایران در پرتو پیشرفت در حوزه فناوری های نوین

فرزاد رستمی<sup>۱</sup>

یاسر قائمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰

فصلنامه علمی آفاق امنیت / سال دوازدهم / شماره چهل دوم - بهار ۱۳۹۸

## چکیده

در نظام بین الملل کنونی، مفهوم و ماهیت امنیت متحول شده و علاوه بر مسائل نظامی، مباحث نوین در سایر حوزه ها نیز در چارچوب امنیتی مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرند. انقلاب اسلامی ایران به دلیل اتخاذ رویکردی اساساً متمایز و متفاوت با سازوکارهای حاکم بر ساختار نظام بین الملل همواره با فرایند امنیتی سازی مواجه بوده است. در ابتدای پیروزی انقلاب و با گذشت حدود سه دهه از آن ماهیت امنیتی شدن ایران، بعدی سیاسی و اقتصادی داشت. در دهه چهارم اما ماهیت امنیتی سازی ایران متحول شد. در این میان، پیشرفت های جمهوری اسلامی ایران در حوزه علوم و فناوری های نوین به عنوان کشوری انقلابی با رویکردی استقلال طلبانه و آزادی خواهانه، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از کشورهای منطقه و قدرت های بین المللی تلاش دارند تا پیشرفت های جمهوری اسلامی ایران در حوزه علوم و فناوری های نوین را در دایره امنیتی قرار داده و با تهدیدنمایی مورد ارزیابی قرار دهند. در این مقاله با تعریف مکتب کینهاگ و دیدگاه این نظریه در خصوص مباحث امنیتی و امنیتی سازی، پیشرفت های جمهوری اسلامی ایران در حوزه علوم و فناوری های نوین تشریح و چگونگی امنیتی سازی و تهدیدنمایی آن تبیین شده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی با استفاده از داده های کتابخانه ای و اینترنتی است. به نظر می رسد تحولی که در دهه چهارم انقلاب اسلامی اتفاق افتاده این است که ماهیت امنیتی سازی دربرگیرنده ترس و نگرانی از طراحی راهبردهای نوین انقلاب اسلامی در حوزه پیشرفت های جدید فناوریانه، راهبرد پیشرفت علم، ارائه الگوهای بومی اقتصادی و... در چارچوب ارائه تصویری مستقل از ایران در عرصه منطقه ای و بین المللی است. پیشرفت در فناوری های جدید فضایی، صنایع موشکی و هسته ای از جمله مباحث مذکور می باشد.

## واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی ایران؛ پیشرفت، فناوری های جدید؛ امنیتی سازی

۱. f.rostami1361@gmail.com

۲. yasserghaemi@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی

۲. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

بعد از تحولات مهم در عرصه سیاست و امنیت بین‌الملل بعد از دهه ۹۰ و ارائه تعاریف موسع از مفهوم امنیت، حوزه‌های نرم‌افزاری امنیت در تعاملات و مناسبات بین‌المللی بیشتر از هر زمان دیگری تقویت شد. به‌نظر می‌رسد بعد از فروپاشی شوروی، نقش متفاوت برداشت‌ها، ادراکات و انگاره‌ها در شکل‌دادن به روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کنشگران به‌گونه‌ای قابل توجه اثرگذار است. اهمیت موضوع تا آنجاست که گفته می‌شود در عرصه روابط بین‌الملل تلقی و برداشت از واقعیت از خود واقعیت، نمود بیشتری دارد. براین اساس، کنشگران بین‌المللی مبنای رفتار خود را در چارچوب آنچه واقعیت می‌پندارند، تنظیم کرده و رفتار می‌نمایند. فرایند امنیتی‌سازی یا امنیتی‌کردن یکی از مفاهیمی است که بعد از دهه ۹۰ در این چارچوب مطرح شد که طی آن یک سوژه به‌عنوان یک تهدید تعریف و تصور می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل ماهیت انقلابی و رویکرد استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه آن، همواره از سوی کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی در معرض امنیتی‌سازی قرار داشته است. از ابتدای شکل‌گیری انقلاب و اعلام منشور آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، فرایند امنیتی‌سازی آغاز و به‌تدریج استمرار این مقوله تشدید شد. ماهیت امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی بیشتر از همیشه تشدید شده و دامنه وسیع‌تری پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ایران بعد از گذشت حدوداً دو دهه از انقلاب، روند پیشرفت و حضور پررنگ در عرصه‌های علمی و فناوری را آغاز نمود. اگرچه فشار تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های امریکا پویایی این مسیر را با کندی مواجه ساخت، اما نتایج تاکنون دربرگیرنده ارتقای جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران در حوزه‌های تولید علم و فناوری‌های مختلف و... بوده است. در رأس همه اینها، فناوری و دانش بومی هسته‌ای قابل توجه است. اگرچه در بدو شکل‌گیری انقلاب اسلامی، خروجی انقلاب بیشتر دربرگیرنده شعارها و آرمان‌های سیاسی و فرهنگی مثل صدور انقلاب، حمایت از مظلومین و جنبش‌های اسلامی، استقلال، نقد ساختار نظام بین‌الملل و... بود و اساساً ورود کشور به عرصه‌های نوین علمی و فناورانه عملاً اتفاق نیفتاده بود، اما فرایند امنیتی‌سازی به برجستگی‌ای که امروز وجود دارد، نبود. سؤال اینجاست که تغییر و تحول در ماهیت امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی ایران از بدو شکل‌گیری انقلاب اسلامی تاکنون در چه محورها و ابعادی بوده و اساساً دلیل امنیتی‌سازی کشورمان طی یک دهه اخیر شدیدتر از همیشه بوده چیست؟ مقاله حاضر با بیان اینکه در پرتو پیشرفت‌های ایران در فناوری نوین در ماهیت امنیتی‌سازی آن تحول ایجاد شده، به‌دنبال



پاسخ به چرایی تحول در فلسفه وجودی و ماهیت امنیتی سازی ایران در دو سطح منطقه ای و بین المللی است.

### روش پژوهش

در سال های اخیر، جمهوری اسلامی ایران پیشرفت قابل توجه و روبه رشدی را در عرصه فناوری های نوین و صنعت های مختلف داشته است که در بیشتر موارد نیز باتکیه بر دانش بومی و به دست متخصصان داخلی بوده است و همین امر عامل نگرانی، ترس و در نتیجه تخاصم کشورهای دشمن ایران اسلامی به ویژه امریکا شده است و آنها را به تکاپو و تلاش برای مقابله با توانمندی ایران وا داشته است، به گونه ای که با اتخاذ شیوه های مختلف و اقدامات پی در پی به دنبال کند کردن حرکت پیشرفت آن و ایجاد چالش و مانع در راه این حرکت می باشند. یکی از شیوه هایی که امریکا، رژیم صهیونیستی و دوستان غربی و عربی آنها برای مقابله با پیشرفت ها و توانمندی ایران برگزیده اند، سیاه نمایی و تخریب این پیشرفت ها و ایجاد مانع و چالش مقابل آن به وسیله تهدید نمایی و امنیتی سازی آن (تهدید کننده و خطرناک برای صلح و ثبات جهانی و امنیت انسان ها) با استفاده از ابزارهای مختلف می باشد، تا به این طریق، ضمن تخریب پیشرفت های صلح جویانه و همکاری جویانه ایران نزد مجامع بین المللی و افکار عمومی جهانی، از همکاری سایر ملت ها و کشورها با ایران جلوگیری کنند. در پژوهش حاضر، نویسندگان با استفاده از داده های کتابخانه ای و اینترنتی و به روشی تحلیلی - توصیفی، تلاش دارند با ارائه مختصری از پیشرفت های ایران اسلامی در حوزه فناوری های نوین، چگونگی باز نمایی و جلوه سازی این پیشرفت ها به صورت تهدید و چالش امنیتی برای جامعه بین المللی را که توسط امریکا و متحدان غربی و عربی آن ارائه شده است، واکاوی و تشریح کنند و در نهایت فاعلان امنیتی سازی و هدف آنها مشخص شود و در پایان، ضمن جمع بندی و ارائه نتیجه گیری راهکارها و پیشنهادهای به منظور مقابله با اقدامات خصمانه این کشورها بیان می شود.

### چارچوب نظری

#### مکتب کپنهاگ

پس از پایان جنگ سرد در بازتعریف مفهوم امنیت، تحول روی داد که به فراخور آن مطالعات امنیتی را در دوران گذار خود قرار داد. در همین راستا، مکتب کپنهاگ به عنوان یک رویکرد جدید وارد مطالعات امنیتی شد. این رویکرد تلاش داشت تا در دام معماهای امنیتی ناشی از تعریف مفهوم امنیت در دایره تنگ تعاریف محدود رئالیستی و لیبرالیستی

نیفتند. به همین دلیل، ترکیب موسعی از مفاهیم نظامی و غیرنظامی را در مطالعات خود لحاظ نمود. تلاش مکتب کپنهاگ این است که مفهوم امنیت را بسیار گسترده‌تر از چهره نظامی آن تعریف کند و این نوع نگرش متضمن این امر است که موضوعات امنیتی در سایر حوزه‌ها از جمله: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد ارزیابی قرار گیرد (Jutila, 2006: 172). مکتب کپنهاگ در سال ۱۹۸۵ با تلاش برخی از محققان امنیت بین‌الملل مانند: بری بوزان و اولی ویور شکل گرفت و درصدد بود بار امنیتی را از دوش مسائل عادی بردارد و با گسترش دامنه مسائل غیرسیاسی، اجتماعی و به‌طور کلی عادی، مانع سوءاستفاده دولت و نظامیان از این موقعیت ویژه شود (Bigo, 2002: 63). مسائل مربوط به انرژی، منابع، محیط‌زیست، جمعیت، استفاده از فضا و دریا و فناوری‌های نوین هم‌تراز مسائل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت‌های سرزمینی شده‌اند که به‌طور سنتی به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دادند. «امنیتی‌شدن»، «بخش‌های امنیتی» و «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای» از مفاهیم اصلی مکتب کپنهاگ در روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رود.

### امنیتی‌سازی

امنیتی‌شدن به این معناست که هر معضل در ذات خود حامل نوعی تهدید است و باید متوقف شود. مفهوم امنیت‌سازی از محورهای مهم در مکتب کپنهاگ است. مفهوم امنیتی‌سازی، اولین بار و بعد از مشخص‌شدن آن به‌وسیله ویور در اواسط ۱۹۹۰ وارد روابط بین‌الملل شد. این مفهوم در سال ۱۹۹۸ و بعد از انتشار کتاب «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» کامل شد (McDonald, 2008: 5). این انگاره به‌طور کلی باتأکید بر نقش زبان، به بررسی چگونگی ظهور، تکامل و حل و فصل مسائل و موضوعات امنیتی می‌پردازد، به‌گونه‌ای که با نزدیک‌شدن به آموزه‌های نظریه سازه‌انگاری، امنیت را به‌عنوان پدیده‌ای متکی بر ذهن افراد و فعالیت زبانی آنان تلقی می‌کند. از این منظر، تبدیل‌شدن یک موضوع در جایگاه موضوع امنیتی، فرایندی بیناذهنی است که مبتنی بر نوعی کنش گفتاری است (دهقانی فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۷). مفهوم امنیتی‌ساختن، یکی از کانونی‌ترین مفاهیم در مکتب کپنهاگ است که تعریف امنیت به‌عنوان کنش کلامی مرکز ثقل این بخش می‌باشد. برای مکتب کپنهاگ امنیتی‌کردن تنها یک عمل گفتاری یا یک سازه اجتماعی نیست، بلکه نوعی عمل سیاسی هم محسوب می‌شود (williams, 2003: 514).

نحوه مواجهه با تهدیدات امنیتی در موضوعات مختلف متفاوت است. در مباحث اقتصادی به‌ویژه در بازار پول و سرمایه، بیشتر به معنای اقداماتی است که تضمین‌کننده



بازپرداخت وام توسط گیرندگان در برابر خطرهایی است که متوجه ازدست رفتن اینگونه سرمایه‌هاست (Fabozzi & Kothari, 2008: 4-5). امنیتی‌سازی، فرایندی است که به‌موجب آن موضوعی که قبلاً امنیتی نبوده است، در مقوله امنیتی می‌گنجد یا از آن تعریفی امنیتی می‌شود و درمقابل، غیرامنیتی‌کردن یعنی موضوعی که از درجه امنیتی برخوردار بوده است تقلیل پیدا کرده و از دستور کار امنیتی خارج می‌شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). نقش تحلیلگر مسائل امنیتی در تعریف و خلق موضوعات امنیتی بسیار مهم است. تحلیلگر امنیتی مشاهده‌کننده صرف موضوعات امنیتی نیست، بلکه او موضوعات خاصی را در طبقه‌بندی موضوعات امنیتی جاسازی می‌کند، از این‌رو بیش از آنکه تحلیلگر باشد، سیاسی است (قیصری، ۱۳۹۳: ۳۸).

ویور رهبران سیاسی، دیوان‌سالاری‌ها، حکومت‌ها، دلان سیاسی و گروه‌های فشار را ذیل بازیگران امنیتی‌کننده قرار می‌دهد. مهم‌ترین کنشگران امنیتی‌ساز، دولت‌ها هستند که از طرق توانایی‌های خود مانند: اقتصادی و رسانه عمل می‌کنند و حوزه‌ای را امنیتی می‌سازند (دهقانی‌فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۱۹). از دید بوزان، علاوه بر بازیگران کارآمد و امنیت‌ساز، گفتمان امنیتی‌سازی و شکستن قوانین و رویه‌های موجود دو شرط دیگر برای امنیتی‌کردن یک مسئله هستند (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱). در گفتمان امنیتی یک مسئله بزرگ جلوه داده می‌شود و به‌منزله بالاترین اولویت عرضه می‌شود و با اطلاق واژه امنیت بر آن، دولت امنیتی‌ساز ادعا می‌کند جهت برخورد با آن حق به‌کارگیری ابزارهای فرامعمولی را دارد (هرسیچ و فتاحی، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

از نظر مکتب کپنهاگ، موفقیت در امنیتی‌سازی یک پدیده، به دو عامل بستگی دارد:

۱. شرایط درونی و زبانی - دستوری: یعنی باید قواعد پذیرفته‌شده‌ای وجود داشته باشند تا کنش منطبق با آنها به‌اجرا درآید.
۲. شرایط بیرونی و زمینه‌ای - اجتماعی: یعنی بهره‌مندبودن از شرایط زمانی و مکانی مناسب و ایجاد همسانی آن با کنش تا بتوان توسط آن کنش یادشده را اجرایی کرد (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴).

لازم است در پژوهش حاضر تبیین شود که امنیتی‌سازی ایران با توجه به شرایط درونی و بیرونی تا چه حد عمل کرده و به سرانجام رسیده است. تا زمانی که پذیرش از سوی مخاطب صورت نگیرد، امنیتی‌سازی انجام نمی‌شود. برای امنیتی‌ساختن یک موضوع، باید آن موضوع به اندازه کافی برای مخاطب اهمیت داشته باشد و این می‌تواند به صورت ادعایی در زمینه تهدید وجودی، نقطه بدون بازگشت و یا یک مسئله ضروری بیان شود (Walker & Seegers, 2012: 24). در مجموع، می‌توان فرایند امنیتی‌سازی یک پدیده را به این شکل

تبیین کرد که بازیگر امنیتی‌ساز با استفاده از کلمات و مفاهیم، یک پدیده را به‌عنوان تهدید معرفی می‌کند و مورد قبول و تأیید مخاطب قرار می‌گیرد. در این پژوهش بررسی خواهد شد که بازیگران امنیتی‌ساز چگونه و به چه طریق اقدام به امنیتی‌سازی پیشرفت‌ها و موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند و شرایط زبانی و اجتماعی آن به چه صورت بوده است و اینکه در عمل امنیتی‌سازی ایران تاچه‌حد موفق بوده‌اند یا دچار شکست و ناامیدی شده‌اند.

### روند امنیتی‌سازی ایران بعد از انقلاب

آغاز روند امنیتی‌کردن ایران مربوط به نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر گفتمان سیاسی ایران و رویکرد جدید نسبت به دنیای خارج است. از مهم‌ترین متغیرهای موردتوجه، تلاش ایران جهت صدور انقلاب، ترویج انقلابی‌گری تحت عنوان حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان، منجر به ابراز نگرانی و ایجاد هراس در مجموعه امنیتی غرب آسیا می‌شد و ایران را به دخالت سیاسی و نظامی در یمن، لبنان و... متهم می‌کردند (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۰۱). اینها عواملی بود که سبب نگرانی کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا شد. بسیاری از سیاستمداران و رسانه‌های غربی تلاش کردند ایران را به‌عنوان تهدید جدی علیه منافع آمریکا، امنیت کشورهای منطقه و قواعد بین‌المللی نشان دهند (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۴۲). بنابراین، روند امنیتی‌کردن ایران پدیده تازه‌ای نیست، بلکه با وقوع انقلاب اسلامی و از بدو شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی آغاز شده است. باوجوداین، اوج‌گیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران و ورود آن به مجامع سیاسی و بین‌المللی بر دامنه امنیتی‌کردن ایران افزود و تا اینکه با مسئله دستیابی ایران به موشک‌های دوربرد و بالستیک به اوج خود رسید.

پس از حادثه یازده سپتامبر و به‌دنبال آن حمله آمریکا به افغانستان و عراق، آمریکا ایران هسته‌ای را دشمن شماره یک خود معرفی کرد، یعنی کشوری که به‌زعم آمریکا خواهان دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است و از این طریق، فاز جدیدی از امنیتی‌کردن ایران را سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی و غربی ایجاد کردند و آن را با چاشنی خطر ایران برای امنیت کشورهای حاشیه خلیج فارس، همراه کردند. از جمله اتهامات آمریکا و سایر کشورها جهت امنیتی‌شدن ایران موارد زیر را شامل می‌شود:

(الف) پروژه صدور انقلاب توسط ایران به کشورهای منطقه؛

(ب) عدم حمایت از فرایند صلح غرب آسیا؛

(ج) حمایت از تروریسم (منظور گروه‌های حزب‌الله و حماس می‌باشد)؛



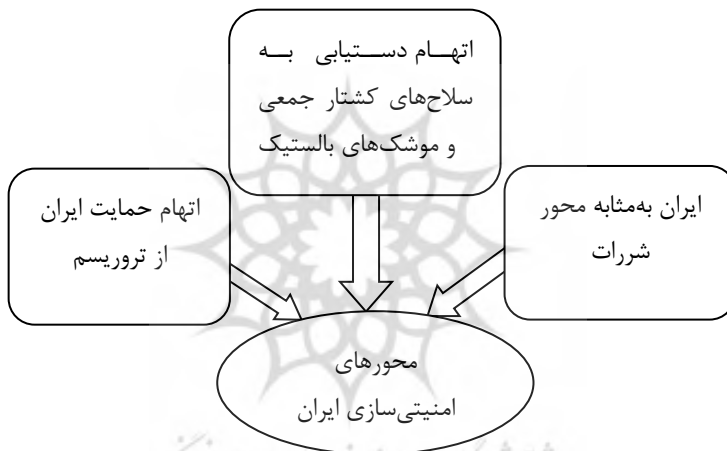
د) نفوذ در عراق، یمن و... (نفوذ در عراق بعد از سقوط صدام و دخالت در جنگ داخلی یمن بعد از سال ۲۰۱۱)؛

ه) ادامه برنامه هسته‌ای و موشکی (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

در مجموع، امریکا بعد از انقلاب اسلامی همواره به دنبال امنیتی کردن ایران به بهانه‌های سیاسی و نظامی از جمله؛ تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و موشکی، اتهام دخالت ایران در کشورهای منطقه و مسئله صدور انقلاب بوده است.

### محورهای امنیتی سازی ایران

محورهای اصلی و مؤثر در شکل‌گیری روند امنیتی‌سازی ایران در نگاه امریکا و غرب و سایر کنشگران در قالب سه برنامه اتهامی ذیل که در ادامه ذکر خواهد شد، قابل طرح است:



### ایران به مثابه محور شرارت

جرج بوش در سال ۲۰۰۲ در سخنرانی سالانه خود کشورهای عراق، کره شمالی و ایران را «محور شرارت» قرار داد و ایران را متهم کرد علاوه بر آنکه در تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است، قصد دارد این سلاح‌ها را در اختیار گروه‌های تروریستی نیز قرار دهد (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۴۳). با بررسی سند امنیت ملی امریکا و همچنین توجه به مواضع وزارتخانه‌های خارجه، دفاع، اظهارات مقامات کشوری و همچنین برخی از مؤسسات علمی غیردولتی و نهادهایی همچون شورای ملی اطلاعات امریکا که به بررسی روندهای جهانی طی دوره‌های زمانی پنج‌ساله می‌پردازد، ایران به‌عنوان چالشی جدی برای

امنیت و منافع ملی آمریکا و غرب مطرح شده است، به طوری که گاهی بخش‌های مجزایی از این اسناد، مربوط به ایران بوده است. علاوه بر آمریکا، انگلستان نیز در راهبرد امنیت ملی خود در سال ۲۰۰۹، ایران را به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی خود مطرح نموده است (سمتی و رهنور، ۱۳۸۸: ۹۱). پزیدنت بوش که چالش‌های مختلفی را در مقابل خود می‌دید، در ژانویه سال ۲۰۰۲ زمانی که او بیان کرد خطرهایی که آمریکا را تهدید می‌کنند، از تروریست فراتر رفته و کشورهای نامطلوبی را شامل می‌شود که به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی هستند، ایران، عراق، کره شمالی و متحدان تروریست آنها را که در تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی هستند، محور شرارت و تهدید فوری برای آمریکا ذکر کرد (Daalder and Lindsay, 2003: 33-34).

### اتهام دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک

در سال‌های اخیر، اولویت اصلی ایران بر توانمندی‌های موشکی بالستیک و دریایی متعارف به عنوان ابزار نمایش قدرت در سطح منطقه متمرکز شده است (Haghshenass, 2008: 13). آمریکا همواره در پی القای این امر بوده است که انرژی اتمی ایران، این قابلیت را داراست که در جهت اهداف نظامی و ساخت بمب به کار گرفته شود. همچنین رژیم صهیونیستی نیز دستیابی ایران به انرژی اتمی را مساوی با نابودی رژیم صهیونیستی دانسته است. علاوه بر آن، آمریکا بارها از برنامه موشکی ایران ابراز نگرانی کرده است. از دیدگاه آمریکا، یکی از نگران‌کننده‌ترین ابعاد برنامه سلاح‌های کشتار جمعی ایران، تلاش جدی آن برای ساخت موشک‌های بالستیک است که این کشور را قادر خواهد ساخت به سمت همسایگان خود در منطقه و کشورهای فرامنطقه‌ای کلاهک‌های غیراتمی و کلاهک‌های بیولوژیکی و هسته‌ای پرتاب کند (Congressional Research Service, 2004: 17). ایران اعلامیه‌هایی را مبنی بر توسعه موفقیت‌آمیز غنی‌سازی اورانیوم و فناوری جدید موشکی صادر می‌کند که زنگ خطر را در آمریکا و سایر کشورها به صدا در می‌آورد که جمهوری اسلامی می‌تواند سلاح‌های کشتار جمعی را در اختیار تروریسم‌ها و گروه‌های مسلح قرار دهد (Council on Forigen Relations, 2011). از دیدگاه بازیگران غربی، هدف جمهوری اسلامی ایران از دانش هسته‌ای، دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای یا جنگ‌افزارهای کشتار جمعی بوده است. بنابراین، مقابله با فناوری چرخه تولید سوخت هسته‌ای ایران، یک مسئولیت است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).





## اتهام حمایت ایران از تروریسم

وزارت خارجه امریکا «ایران را فعال ترین» حامی تروریسم می‌داند. مقامات امریکایی می‌گویند که ایران منابع مالی، سلاح‌ها، آموزش و نوعی حرمت و تقدس را برای بسیاری از گروه‌های تروریستی در افغانستان، عراق و لبنان فراهم می‌کند که نگرانی امنیتی جامعه جهانی است (Council on Forigen Relations, 2011). حمایت از تروریسم و جنیش‌های خشونت‌آمیز، زیربنایی طولانی در سیاست خارجی ایران دارد و آن یکی از خطرناک‌ترین کشورهای حامی تروریسم در جهان است که به دلایل مختلف از تروریسم حمایت می‌کند (Byman, 2015: 1-2). از دید امریکا و غرب، سال‌هاست که ایران از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای طرح و پیگیری قدرت خود استفاده می‌کند. در سالنامه وزارت خارجه امریکا، گزارشی با عنوان «عملکرد تروریستی کشورها در سال ۲۰۰۴ میلادی» چاپ شد که در آن ایران، فعال‌ترین دولت پشتیبان تروریسم خوانده شده است (U.S. Department of State, 2005: 88). حمایت از گروه‌های فلسطینی در غزه، مقاومت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مختلف در عراق و سراسر غرب آسیا، از جمله ادعاهایی است که واشنگتن درباره حمایت تهران از تروریسم بیان می‌کند. حمایت‌های مورد ادعای امریکا، در واقع، همان حمایت‌هایی است که ایران برای مهار تروریسم در غرب آسیا انجام می‌دهد. اقداماتی که تروریست‌های مورد حمایت غرب را در بسیاری از کشورها از جمله عراق و سوریه ناکام گذاشته است (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۲۰۲). «ماتوی لویت» بیان می‌کند که «ایران به‌وسیله نیروهای قدس سپاه پاسداران در غرب آسیا اقدامات تروریستی انجام می‌دهد و از تروریست‌ها حمایت می‌کند. تهران سیاست خارجی تهاجمی به‌کار می‌گیرد، دارایی‌های مخفی دارد و برای تقویت منافع سیاست خارجی خود بر تروریست‌ها تأکید دارد» (Levitt, 2012: 1).

در قبل، بیان شد که امریکا و سایر دولت‌های متخاصم با جمهوری اسلامی ایران، بر پایه سه محور سعی در تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی ایران دارند. پیشرفت‌های ایران اسلامی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه موشکی و فناوری هسته‌ای، امریکا، رژیم صهیونیستی و سایر دشمنان را از توان و قدرت ایران و نفوذ گسترده آن در منطقه نگران ساخته و با تهدیدنمایی و امنیتی‌کردن این پیروزی‌ها و موفقیت‌های ایران اسلامی سعی در ایجاد چالش در مقابل آن دارند. امریکا با محور شرارت خواندن ایران سعی در تهدید جلوه‌دادن آن برای منطقه و جهان دارد و با اتهاماتی همچون حمایت ایران از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی در کنار رژیم صهیونیستی و سایر دشمنان تلاش دارد تا با تهدیدنمایی ایران و امنیتی‌کردن پیشرفت‌ها و موفقیت‌های آن بر سر راه توانمندی

آن مانع ایجاد کنند و از بروز و ظهور یک ایران اسلامی و انقلابی، مستقل و آزادی‌خواه جلوگیری کند.

### امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران

از دید امریکا و غرب و از قول آنان به اصطلاح پنهان‌کاری‌های ایران در زمینه هسته‌ای از آژانس، نگرانی‌های امنیتی را در مورد اهداف سلاح‌های هسته‌ای ایران افزایش می‌دهد. از دید آنها برنامه تسلیحاتی ایران، بر تولید و غنی‌سازی هرچه بیشتر اورانیوم و پلوتونیوم دو ماده شکاف‌پذیری که در تولید سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، تأکید دارد و ایران تا سال ۲۰۰۳ آژانس را از ساخت تأسیسات هسته‌ای نظیر آگاه نساخت، تا اینکه ماه‌ها بعد توسط شورای ملی دفاع امریکا، افشا شد. از نگاه امریکا و براساس یک تخمین، ایران هر ساله ۸ تا ۱۰ کیلوگرم پلوتونیوم تولید می‌کند که برای ساخت یک یا دو سلاح هسته‌ای کافی است (Bown & Kidd, 2004: 259). امریکا گذشته از اینکه هدف ایران را از برنامه هسته‌ای تولید سلاح می‌داند، عقیده دارد که این کشور به‌عنوان موجودیتی نامطلوب سعی در ایجاد ناامنی در مجموعه امنیتی غرب آسیا دارد. امریکا و غرب با این مجموع ادعاها قصد دارند این‌گونه به افکار عمومی غرب آسیا و غرب القا کنند که برنامه هسته‌ای ایران در نهایت به تولید بمب اتم و سلاح‌های کشتار جمعی ختم می‌شود (اسدی، ۱۳۸۲: ۲۲).

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان مرجع مهم صدور قطعنامه، از سال ۲۰۰۳ تاکنون چندین قطعنامه در مورد فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تصویب کرده است و در قطعنامه‌های تصویب‌شده خود، بارها ایران را مورد انتقاد قرار داده است. آژانس به‌وضوح بارها در گزارش‌های خود فقدان شفافیت و عدم همکاری ایران با آژانس را نشان داده و متذکر شده است که ایران رفتارهای مخفیانه خود را در پوشش برنامه چرخه سوخت صلح‌آمیز هسته‌ای، پنهان می‌کند (Kutchesfahani, 2006: 8). شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۴ فوریه ۲۰۰۶، با تصویب قطعنامه‌ای پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کرد. این مرحله را می‌توان عبور پرونده هسته‌ای از طیف سیاسی و ورود این پرونده به طیف مسائل امنیتی دانست (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۹۵).

با وجود اینکه، ایران همواره در سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود بیان داشته است که سلاح هسته‌ای در دکتترین دفاعی آن جایگاهی ندارد، از نظر ایدئولوژیک هم رهبر معظم انقلاب در فتاوایی بر حرمت شرعی ساخت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای



تأکید کرده‌اند. غرب به رهبری امریکا و رژیم صهیونیستی در راستای تکمیل پروژه «ایران‌هراسی خود» با راه‌انداختن جنگ روانی و تبلیغاتی در صدد نظامی و امنیتی جلوه‌دادن برنامه هسته‌ای ایران هستند، به‌گونه‌ای که حتی کشورهای همسایه ایران نیز تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفته و از فعالیت‌های هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرده‌اند (عبداله و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). رهبران امریکا و رژیم صهیونیستی و دیگر کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از ابزار رسانه‌ای، دیپلماتیک و کنش‌های زبانی امنیت‌ساز و جوسازی، سعی در ایجاد زمینه و فراهم کردن فضای تهدید از جانب برنامه هسته‌ای ایران را دارند. به‌طورمثال، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی شامگاه دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ با حضور در وزارت دفاع این کشور، ایران را متهم به پیگیری برنامه هسته‌ای و اتمی کرد. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، ایران مجهز به سلاح هسته‌ای را بدترین پیامد ممکن در وضعیت حاضر دانست (نیکو و سولیمی، ۱۳۹۶: ۱۳۷). یا دونالد ترامپ در بیشتر موضع‌گیری‌های خود ایران را متهم به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای کرده و سعی در تهدیدنمایی و ایجاد فضای رعب و وحشت از برنامه هسته‌ای ایران دارد (قنبرلو، ۱۳۹۷: ۹۳-۹۲).

### تلاش‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک جهت امنیتی‌سازی ایران

از زمان اوج‌گیری انتقادات مجامع بین‌المللی از برنامه هسته‌ای ایران، تاکنون رسانه‌های جهانی به پیگیری و تحلیل لحظه‌به‌لحظه رویدادها در این رابطه پرداخته‌اند. به‌ویژه اینکه رسانه‌ها بر اتهامات مقاصد غیرصلح‌آمیز ایران در پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای تأکید دارند (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). نقش ساختار رسانه‌ای انگلستان در ایران‌هراسی و نشان‌دادن چهره‌ای نامطلوب از جمهوری اسلامی ایران و نقش ویژه آن در جریان هسته‌ای کشورمان، به شکلی بارز نمایان شده است. در این میان، شاید بتوان بی‌بی‌سی فارسی را فعال‌تر دانست. بررسی محورهای تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی این رسانه معاند جمهوری اسلامی ایران، به‌روشنی نشان می‌دهد که این رسانه‌ها مطابق آنچه دستور می‌گیرند در تلاشند تا به هر شکل ممکن از صلح‌آمیز جلوه‌کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران ممانعت کنند (بردبار و خواجه‌سروری، ۱۳۹۴: ۱۱۷). پخش گزارش از شبکه تلویزیونی سی.ان.ان در دسامبر ۲۰۰۲ و نمایش عکس‌های ماهواره‌ای گرفته‌شده از تأسیسات هسته‌ای ایران، نقش مؤثری در افزایش هجوم تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته است. این موضوع زمانی جدی‌تر شد که صحت عکس‌های ماهواره‌ای گرفته‌شده از تأسیسات نطنز و اراک به تأیید

رسید و تبلیغ در این باره به تدریج در شبکه‌های خبری بین‌المللی گسترش یافت (فرقانی و احمدی، ۱۳۹۰: ۶۵).

در یک بررسی به‌منظور تحلیل کنش کلامی سرمقاله چهار روزنامه واشنگتن‌پست، گاردین، وال استریت ژورنال و دیلی تلگراف، درخصوص مناقشه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، مشخص شد این چهار روزنامه از طریق برساختن تهدید هسته‌ای ایران، فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به‌عنوان عامل ناامنی جهانی جلوه می‌دهند و بر رفتارها و مواضع سایر کشورها درقبال آن تأثیر می‌گذارند (امیدی و مرادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۳۰). دامنه و پوشش خبری رسانه‌های غربی نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بعد از گذشت ده سال موجب شده که افکار عمومی جهان به سمت امنیتی‌ساختن این فعالیت‌ها سوق داده شود. براساس یک تحلیل از متن سخنرانی‌های نماینده امریکا در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ نشان داده شده که این متون در سطره پارادایم تروریسم هسته‌ای امریکاست. ویژگی‌های این نظم گفتاری را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. پررنگ کردن خطر ناشی از تکثیر هسته‌ای؛
۲. تأکید بر وظایف منع تکثیر و امنیت هسته‌ای آژانس؛
۳. کنارهم قراردادن تکثیر هسته‌ای و تروریسم بین‌المللی؛
۴. القای بی‌اعتمادی به ایران؛
۵. چشم‌پوشی از تهدید هسته‌ای رژیم صهیونیستی (مسعودی و احمد خان‌بیگی، ۱۳۹۱: ۹۹).

شیمون پرز، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، در مصاحبه‌ای با کانال سه تلویزیون فرانسه به جامعه بین‌الملل هشدار می‌دهد که ایران تا سال ۱۹۹۹م، به بمب اتم مسلح خواهد شد. این مطلب پرز نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران آن‌هم در زمانی که ایران هنوز در آغازین مراحل فرآوری و توسعه قابلیت‌های هسته‌ای خود بود، به‌خوبی نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی تلاش داشته تا با تهدیدآمیز قلمداد نمودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، آن را در مقوله‌ای امنیتی جای داده و مانع از پیشرفت‌های هسته‌ای ایران شود. استناداتی به موشک‌های بالستیک و هشدار درخصوص ساختن بمب اتم توسط ایران، درواقع ادامه همین فرایند امنیتی‌سازی بوده است. چنین اشاراتی از مقامات رژیم صهیونیستی در برهه‌های مختلف به جامعه بین‌الملل به‌چشم می‌خورد که در تمامی موارد در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی دستیابی ایران به بمب هسته‌ای هشدار می‌دهند (دهقانی‌فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵: ۵۰-۴۹).



یکی از بازوهای اصلی امریکا و غرب جهت امنیتی سازی ایران اسلامی، اندیشکده های بزرگ و فعال این کشورها می باشد. اندیشکده های غربی و امریکایی با استفاده از برگزاری همایش ها، گردهمایی ها، سخنرانی ها، انتشار اخبار، مجلات و مقالات، سعی دارند فعالیت ها و پیشرفت های ایران اسلامی در زمینه های مختلف را تهدیدزا و امنیتی جلوه دهند و مانع پیشرفت صلح آمیز ایران اسلامی در فناوری های مختلف و توانمندشدن آن شوند. برای نمونه؛ اندیشکده محافظه کار امریکایی هریتیج در سپتامبر ۲۰۰۷ در جریان دیدار رئیس جمهور احمدی نژاد از تأسیسات و برنامه هسته ای نوشت: برنامه هسته ای ایران یک تهدید روبه رشد برای امنیت بین المللی در کنار حمایت از شورشیان در عراق و افغانستان است. با شکست دیپلماسی برای حل مسئله هسته ای ایران، باید تحریم های اقتصادی شدید را علیه تهران تحمیل کرد (Brookes, 2007).

آنچه دارای اهمیت است، توجه به این نگرانی می تواند باشد که تلاش برخی سیاستمداران کشورهای غربی در سال های اخیر با استدلال ادعاهای تکراری علیه ایران، بر طرح نمودن ایران به عنوان یک تهدید امنیتی برای جهان و سپس امنیتی شدن ایران است که در این صورت اخذ قطعنامه های گوناگون از شورای امنیت و سپس انزوا و تحریم های بیشتر به راحتی به دست می آید (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۱۰). لذا تصادفی نیست که بوش یکی از دلایل مخالفت امریکا با فعالیت های هسته ای ایران را حمایت ایران از تروریسم هسته ای می داند (قهرمان پور، ۱۳۸۷: ۸۴). تلاش امریکا در جهت پیوندزدن مسئله فعالیت های هسته ای ایران با گروه های تروریستی، بمب اتم و بزرگنمایی این مسئله در سطح نظام بین الملل از طریق ابزارهای رسانه ای در جهت تحقق رویکرد مبارزه با افزایش قدرت ایران در سطح منطقه ای و بین المللی، اخذ قطعنامه های گوناگون علیه ایران و فشار و تحریم بیشتر بر ایران است. سران امریکا و دیگر کشورهای فاعلان امنیتی سازی ایران سعی دارند با استفاده از کنش های کلامی و زبانی و ایجاد فضا و زمینه تهدیدنمایی ایران مانع پیشرفت ها و موفقیت های افزایش و چشمگیر ایران شوند.

### تحول در ماهیت امنیتی سازی ایران

به سبب پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در فناوری های نوین، برنامه های توان موشکی، پرتاب ماهواره و به ویژه برنامه هسته ای، متغیرهای تهدیدنمایی ایران دگرگون شده و در ماهیت امنیتی سازی ایران تحول ایجاد شده است. در تجزیه و تحلیل اسناد و گزارش های امنیت ملی کشورهای غربی و به طور خاص امریکا و انگلیس این محورها به وضوح نمایان است که پیشرفت ایرانی و اسلامی و بومی در فناوری های نوین و پیشرفت های هسته ای و



موشکی متغیرهای مهم بر تهدیدنمایی آن به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم امنیتی جهان و قالبی امنیتی‌شده به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در جریان تحول ماهیت امنیتی‌سازی ایران، در سایه پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری‌های نوین، مسائل سیاسی امنیتی‌شده جای خود را به توجه، تهدیدنمایی و امنیتی‌شدن محورهای پیشرفت‌های ایرانی اسلامی در فناوری‌های نوین و پیشرفت در برنامه‌های موشکی و هسته‌ای داده است. رشد علم در ایران در حوزه‌های گوناگون و به‌ویژه دارابودن جایگاه اول منطقه در تولید علم و جایگاه بیستم در جهان به‌زعم کشورهای منطقه و جهان، یک تهدید تلقی می‌شود؛ زیرا معتقدند که این علم خصوصاً در اختیار پروژه‌های نظامی و بخش هسته‌ای ایران قرار خواهد گرفت و یک ایران علمی، یک ایران پرخطر برای اعراب، رژیم صهیونیستی و غرب محسوب می‌شود (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۲۰۳). طبق گزارش سال ۲۰۱۰ نیوساینتیست: ایران دارای سریع‌ترین نرخ رشد علمی در جهان بوده است. ایران پیشروترین کشور جهان در عرصه تولیدات علمی بوده است. نرخ رشد علمی در ایران، ۱۱ برابر میانگین جهانی است (قیومی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶). رشد شتابان علم و پیشرفت‌های علمی در کشور، علاوه بر تمام خدماتی که در زمینه‌های گوناگون به‌همراه دارد، موجبات تقویت توان نظامی ایران را نیز در پی داشته است و همین امر کشورهای غربی را نگران و مضطرب و کشورهای منطقه را در برابر ایران در موضع ضعف قرار داده است. در ادامه، با تشریح پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در تعدادی زمینه‌های مختلف، چگونگی تحول در ماهیت تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی آن به‌عنوان یک مانع بر سر راه این مهم و راهکارهای مقابله با این موانع تبیین خواهد شد.

### پیشرفت‌های ایران در زمینه فناوری‌های مختلف

در این قسمت اشاره‌ای به پیشرفت‌ها و توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه فناوری‌ها و صنایع مختلف می‌کنیم تا در ادامه نشان دهیم که رقبا و دشمنان ایران اسلامی چگونه متوجه این پیشرفت‌ها شده و به هر طریقی از جمله امنیتی‌سازی پیشرفت‌ها و فناوری‌های نوین ایران اسلامی سعی در مقابله با توانمندشدن آن و جلوگیری از ظهور یک ایران قدرتمند در کنار خود دارند.

سابقه پیشرفت و نوآوری‌های عمده صنعت دفاعی در کشور، بیشتر به دوران دفاع مقدس و پس از آن برمی‌گردد. در دوران جنگ، عراق از تعدادی موشک اسکاد (SCUD) علیه ایران استفاده کرد و همین مسئله توجه ایران را به ساخت موشک بومی جلب کرد (The EastWest Institute, 2009: 6). پیشرفت سریع ایران در زمینه موشک، یک پیشرفت



چندبعدی بوده و تمام جنبه‌های موشک را دربر می‌گیرد. ایران در حال حاضر در تمام حوزه‌های موشکی مانند بالستیک، کروز و حتی موشک‌های ماهواره‌بر به پیشرفت‌های بزرگی دست یافته است (پوراخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

ایران بعد از پایان جنگ تحمیلی، برخی پروژه‌هایی فضایی را در قالب ماهواره مصباح و سینا با هدف کسب دانش فنی در زمینه طراحی و ساخت ماهواره و گسترش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فضایی تعریف نمود. تلاش‌ها برای ساخت و آزمایش ماهواره‌بر بومی، سرانجام با پرتاب کاوشگر ۱ در سال ۲۰۰۸ محقق شد که از آن به‌عنوان بزرگترین موفقیت و نشانه‌ای از خودباوری ایرانیان یاد شد. ایران بعد از پرتاب موفقیت‌آمیز کاوشگر ۱، مصادف با سی‌امین سالگرد انقلاب اسلامی، ماهواره امید را با استفاده از ماهواره‌بر سفیر به فضا پرتاب کرد (پوراخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۹). ایران، یکی از قدرت‌های نوظهور در عرصه فناوری فضایی و دهمین کشور از نظر طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره است (قیومی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱).

جمهوری اسلامی ایران مجهز به یک تیپ موشکی با ۱۲ الی ۱۸ پرتابگر موشک ۱ و ۲ و یک گردان با ۶ پرتابگر مجهز به موشک‌های شهاب ۳ با برد متوسط ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ کیلومتر است. بنابراین، به‌راحتی می‌تواند رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و سایر متحدین امریکا در منطقه را مورد هدف قرار دهد (Taylor, 2009: 12). آزمایش موفقیت‌آمیز شهاب ۳ و موشک پیشرفته قدر ۱ با برد بین ۱۱۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر، قدرت بازدارندگی ایران را تکمیل نمود و ایران توانست قدرت مقابله با تهدیدات منطقه‌ای را پیدا کند و تمام منطقه غرب آسیا تحت پوشش موشک‌های ایران قرار گرفت (The EastWest Institute, 2009: 8).

گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد ایران موشک‌های با سوخت جامد خود را تا برد ۲۰۰۰ کیلومتر توسعه داده است، اما اطلاعات موثقی در این زمینه در دسترس نیست. مقامات ایرانی ادعا می‌کنند که ایران دارای طیف وسیعی از موشک‌های با برد ۲۰۰۰ کیلومتر است. چنین موشکی قادر به حمله به اهداف در غرب آسیا و جنوب اروپا است. براساس فناوری‌های موجود، ایران می‌تواند توانایی حمل محموله و برد موشک‌های بالستیک خود را توسعه دهد (The EastWest Institute, 2009: 9). به‌طور کلی، ایران، قدرت سیزدهم نظامی جهان بدون در نظر گرفتن امکانات و تجهیزات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است (قیومی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۸). پیشرفت‌های چشمگیر ایران در صنعت موشکی و هوافضا، کشورهای منطقه و قدرت‌های بین‌المللی از جمله امریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی را بسیار نگران کرده و به فکر انداخته تا با ابزارهای گوناگون از جمله



تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی توان موشکی دفاعی ایران، با پیشرفت و موفقیت ایران مقابله کنند. امریکا هدف از نصب سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی را مقابله با تهدید موشک‌های دوربرد ایران می‌داند (Congressional Research Service, 2019: 16-15).

در ادامه، باید به توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه نیروگاه‌های اتمی و چرخه سوخت هسته‌ای اشاره کرد. جمهوری اسلامی ایران با اتکا به متخصصان و دانشمندان خود امروزه به یکی از کشورهای دارنده فناوری و دانش هسته‌ای تبدیل شده است. در واقع، دستاوردهای هسته‌ای یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام جمهوری اسلامی است. دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است. پیشرفت‌های هسته‌ای ایران آن قدر چشمگیر بوده است که وحشت غرب را به دنبال داشته است. جمهوری اسلامی ایران به‌رغم همه تحریم‌ها و تهدیدها، با تلاش و مجاهدت‌های جوانان و متخصصین خود، به چرخه کامل سوخت هسته‌ای (غنی‌سازی) بومی دست یافته و از نظر دانش علمی و فناوری در این عرصه در ردیف ۷-۸ کشور پیشرفته جهان قرار گرفته است (برگرفته از پایگاه خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۴). ایران در دنیا جزء ۹ کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته‌ای است که اکتشاف اورانیوم، استخراج، تولید کیک زرد و تبدیل آن به گاز  $^{235}\text{U}$  در حوزه تولید سوخت و مجتمع‌های سوخت در آن صورت می‌گیرد. ایران جزء ۱۳ کشوری است که توانایی غنی‌سازی اورانیوم را دارند. برزیل، چین، فرانسه، آلمان، هند، ایران، ژاپن، هلند، کره شمالی، پاکستان، روسیه، انگلیس و امریکا نامشان در فهرست کشورهایی که توانایی غنی‌سازی اورانیوم دارند، دیده می‌شود (قیومی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲). رتبه جهانی ایران در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی در تولید علم در زمینه هوافضا از ۴۳ به ۱۱ و تولید علم در زمینه انرژی اتمی از ۸۳ به ۱۱ در جهان ارتقا یافته است (Scimago institutions ranking, 2015)، اما این پیشرفت‌ها توجه کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی را به خود جلب کرده تا با تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی این روند پیشرفت، سرعت قدرت‌یابی ایران را در عرصه‌های نوین کند کرده و مانع پیشرفت مستمر آن شوند. با پیشرفت‌های گسترده ایران اسلامی در عرصه علوم و دانش نوین از جمله هسته‌ای، تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران که زمانی بر انقلابی‌گری و تهدیدهای سیاسی آن متمرکز بود، امروزه تغییر وضعیت داده و پیشرفت‌های آن در عرصه فناوری و علوم نوین مورد توجه و تمرکز قرار گرفته و تهدیدپنداری می‌شود.

نانوفناوری یکی از زمینه‌های دیگری است که اهمیت زیادی در صنعت و فناوری کشورها دارد و توجه به این مهم در کشور ایران بسیار چشمگیر بوده و در زمینه فناوری





نانو به توانمندی و میزان بالایی از پیشرفت دست یافته‌ایم و به دلیل اهمیتی که این فناوری در صنایع مختلف از جمله صنایع نظامی، هوافضا، هسته‌ای، کشاورزی و بسیاری از صنایع دیگر و نهایتاً توانمندسازی ایران اسلامی دارد، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. خوشبختانه با توجه به نگاه مثبت مسئولان نظام و اسناد مهم نظام جمهوری اسلامی از جمله سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، بستر لازم برای رشد جهشی در زمینه این فناوری فراهم شده است (صفوی، ۱۳۸۷: ۶) و همین مسئله کشورهای منطقه‌ای و غربی از جمله امریکا و انگلیس را نگران از پیشرفت‌های علمی ایران اسلامی کرده است و درصدد تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی این عرصه‌های غیرسیاسی و علمی برآمده‌اند. در سال ۲۰۱۵ میلادی ۶۶۹۰ مقاله مرتبط با فناوری نانو توسط محققان ایرانی در WOS نمایه شده که معادل ۴/۷۲ درصد از کل مقالات نانوی منتشرشده در سال ۲۰۱۵ است. ایران با این سهم از تولید علم نانو همانند سال ۲۰۱۴ در رتبه هفتم دنیا قرار گرفت (معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، ۱۳۹۴).

در جدول زیر توانمندی‌های ایران در فناوری‌های مختلف و زمینه‌ها و نحوه امنیتی‌سازی آنها را به صورت خلاصه نشان می‌دهیم:

شرایط امنیتی‌سازی	نحوه امنیتی‌سازی	نوع صنعت و فناوری	پیشرفت‌های ایران
شرایط درونی و زبانی	تصویب لوایح و قطعنامه به منظور ایجاد اجماع بین‌المللی علیه توانمندی‌های ایران	برنامه موشکی	موشک‌های بالستیک دوربرد
			موشک‌های زمین‌به‌هوا
			موشک‌های هوا به زمین
			موشک‌های هوا به هوا
شرایط بیرونی و اجتماعی	جوسازی و اتهام‌زنی علیه پیشرفت در برنامه‌های صلح آمیز ایران	ماهواره‌ها تولید علم و فناوری نانو	قرارگرفتن در جمع چند کشور محدود باشگاه هسته‌ای جهان
			ماهواره مصباح و سینا
			کاوشگر ۱ و امید رصد و نوید
			دارا بودن جایگاه برتر در جهان



در قبل، مواردی از فناوری‌ها و پیشرفت ایران در این زمینه‌ها ذکر شد که سعی در امنیتی‌سازی آنها بوده است. هرچند بسیاری دیگر از صنعت و فناوری‌های جمهوری اسلامی ایران هستند که به دلیل پیشرفت و موفقیت در این زمینه‌ها مورد توجه و تعرض کنشگران خارجی از جمله امریکا و رژیم صهیونیستی قرار دارند، اما به دلیل پرهیز از اطاله سخن از شرح آنها خوداری می‌کنیم و تنها ذکر این نکته لازم است که هدف فاعلان امنیتی‌سازی ایران تنها ممانعت از پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در زمینه یک یا چند فناوری خاص نیست، بلکه هدف آنها از امنیتی‌سازی ایران ایجاد مانع و چالش بر سر هرگونه پیشرفت ایران و تبدیل شدن آن به یک قدرت برتر جهانی است و به همین دلیل، با هرگونه پیشرفت و موفقیت جمهوری اسلامی ایران ناسازگاری دارند و در پی امنیتی‌سازی و ایجاد چالش در مقابل آن هستند که در این خصوص توجه و تلاش برای امنیتی‌سازی پیشرفت در زمینه‌های حساس مثل هسته‌ای و موشکی و یا فناوری‌هایی که ارتباط مستقیم با بحث نظامی و هسته‌ای دارند، چشمگیرتر است. در پایان این بخش باید گفت که اشاره به پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در بعضی زمینه‌های خاص مانند نانو، تولید علم، نیروگاه و سدسازی، نه به دلیل اینکه مستقیم و به صورت مکرر مورد امنیتی‌سازی کنشگران بین‌المللی قرار گرفته باشند، ذکر شده است، بلکه به این دلیل که نمایی از پیشرفت‌های ایران اسلامی در فناوری‌های مختلف و فناوری‌هایی که با واسطه در مسائل راهبردی تأثیر دارند، بیان شده است.

## تحول در ماهیت امنیتی‌سازی و ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت ایرانی اسلامی

پیشرفت‌های چشمگیر ایران اسلامی در سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری (پزشکی، نانو، هسته‌ای، موشکی، نیروگاه و سدسازی و...) نگرانی و ترس رقبای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی را در پی داشته و سبب تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی روند پیشرفت ایرانی اسلامی در فناوری نوین، توسط این کشورها شده است. حتی شاید دور نباشد که دانشمندان ایرانی عرصه بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی نیز آماج ترورهای ناجوانمردانه عوامل امریکا و رژیم صهیونیستی قرار گیرند، تنها به این دلیل که توانسته‌اند با ستون پنجم عوامل اقتصادی در عرصه علم و فناوری مقابله مؤثر کنند. بنابراین، همپای پیشرفت و موفقیت جمهوری اسلامی ایران در کسب علوم و فناوری‌های نوین به‌ویژه در عرصه‌های راهبردی، شاهد تحول در ماهیت روند تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران توسط کشورهای غربی (امریکا و انگلیس) و متحدان منطقه‌ای آنها مانند



رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی هستیم، به گونه‌ای که برای مثال، میلیبند وزیر امور خارجه انگلیس، در سال ۲۰۰۸ تهدیدات را در راستای امنیت ملی کشورش به سه دسته سیاسی، اقتصادی و امنیتی تقسیم کرد. در این تقسیم‌بندی، وی گروه القاعده را که در سال‌های گذشته به عنوان تهدیدی امنیتی معرفی می‌شد، به عنوان یک جریان فکری افراطی به عنوان بزرگترین تهدید سیاسی دنیا و جمهوری اسلامی ایران را به واسطه تعقیب و پیشرفت در برنامه‌های هسته‌ای و موشکی به عنوان بزرگترین تهدید امنیتی دنیا معرفی کرد (رسمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

این تقسیم‌بندی و تعریف جدید وزیر خارجه وقت انگلیس از تهدیدات امنیتی، به خوبی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر با پیشرفت‌های عظیم جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف به خصوص در صنعت دفاعی و هسته‌ای در سایه تأکید رهبر معظم انقلاب بر ایجاد و اجرای یک برنامه اسلامی ایرانی پیشرفت، کشورهای غربی و رقبای منطقه‌ای از پیشرفت‌های ایران اسلامی بسیار نگران بوده و تحمل یک ایران قدرتمند و پیشرفته را در کنار خود ندارند و با چرخش تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران از مسائل سیاسی و موضوع انقلاب اسلامی به مسائل امنیتی و موضوع پیشرفت در برنامه هسته‌ای و موشکی و دیگر حوزه‌ها سعی در مقابله و ایجاد مانع بر سر راه ایران اسلامی دارند. از منظر اندیشکده‌های غربی، از جمله اندیشکده مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) توانایی موشکی، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های بازدارنده کشورمان در مقابل هرگونه تعرض خارجی است؛ زیرا به دلیل برد و توان بالای موشک‌های ساخت ایران، نیروهای مسلح کشورمان قادرند در نخستین لحظه شروع هرگونه اقدام خصمانه از سوی دشمن، همه پایگاه‌ها و مواضع منطقه‌ای وابسته به دولت‌های متخاصم را با بالاترین دقت مورد هدف قرار دهند که تلفات ناشی از آن تا دهه‌ها می‌تواند هر دولت متخاصمی را با چالش اساسی روبه‌رو کند. به همین دلیل، دولت امریکا به شدت تلاش دارد تا با مرتبط کردن برنامه موشکی کشورمان به برنامه تخیلی اتمی مدنظر خود، این توانایی دفاعی کشورمان را به مثابه یک تهدید کشتار جمعی برای منطقه و جهان جلوه دهد و در همین راستا نیز تأکید دارد، جمهوری اسلامی ایران باید به رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR) بپیوندد. هم‌زمان با این تلاش‌ها، اندیشکده «پروژه ویسکانسین» که هدف اعلامی آن، مقابله با اشاعه هسته‌ای و دیگر تسلیحات کشتار جمعی در جهان است، تلاش گسترده‌ای را برای برجسته‌سازی تهدید موشکی ایران آغاز کرده و در حال حاضر بر محور توانایی موشکی کشورمان و ارتباط آن با عضویت کشورمان در FATF متمرکز کرده است (هفته‌نامه صبح صادق، ۱۳۹۷: ۵).

## شرایط امنیتی‌سازی و تهدید‌نمایی پیشرفت‌های ایران

شرایط درونی و بیرونی و زمینه‌های زبانی و اجتماعی بسیاری جهت امنیتی‌سازی و تهدید‌نمایی یک پدیده وجود دارند که کنشگران بین‌المللی به‌منظور امنیتی‌کردن یک عامل می‌توانند و باید از آن استفاده کنند. دشمنان و رقبای ایران اسلامی با استفاده از این شرایط و زمینه‌ها سعی در امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران و پیشرفت‌های آن در فناوری‌های نوین و مختلف دارند. دشمنان ایران اسلامی برای فراهم کردن شرایط دستوری بین‌المللی جهت امنیتی‌سازی و مقابله با پیشرفت‌های ایران، سعی در ایجاد و تصویب قواعد، لویح و قطعنامه‌های مختلف در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را دارند تا به کمک آن بتوانند اقدامات خصمانه خود را منطبق با قواعد مشروع و پذیرفته‌شده بین‌المللی جلوه دهند. در این خصوص، می‌توان به قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل علیه برنامه‌های هسته‌ای و نظامی ایران مانند قطعنامه ۱۹۸۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۱ تصویب شد و سندی بین‌المللی درباره عدم گسترش جنگ‌افزار هسته‌ای ایران بود، اشاره کرد.

دشمنان و رقبای ایران اسلامی سعی دارند در هر زمان و مکانی و از هر شرایط و فرصتی برای جوسازی علیه ایران استفاده کرده و ایران و توانمندی‌ها و پیشرفت‌های آن را تهدید جلوه دهند. مقامات امریکا و رژیم صهیونیستی به‌طور دائم، توانایی هسته‌ای و موشکی ایران را یک تهدید برای جامعه جهانی می‌خوانند و سعی دارند با ایجاد اتهاماتی زمینه و شرایط اجتماعی لازم جهت امنیتی‌سازی پیشرفت‌های ایران را فراهم آورند. به‌عنوان مثال، مقامات عربستان سعودی و امریکا می‌گویند که جمهوری اسلامی، حامیان حوثی‌های شیعه، تسلیحات موشکی را در اختیار آنها قرار می‌دهد (Al-qadhi, 2017: 43-44). رسانه‌های گسترده این کشورها نیز بر این اتهامات تأکید و به‌طور مکرر آن را بیان می‌کنند. این کشورها با این اقدامات سعی دارند ضمن مسئول دانستن ایران در جنگ یمن، این‌گونه جلو دهند که موشک‌های ایران علیه مردم منطقه به‌کار گرفته می‌شود و تهدیدی جدی برای منطقه و جهان است و با استفاده از این وقایع، زمینه‌های لازم را جهت تهدید‌نمایی و امنیتی‌سازی پیشرفت‌های ایران در زمینه موشکی و نظامی فراهم آورند. امریکا و دیگر دشمنان ایران به‌دنبال این مسئله می‌باشند که با استفاده از این اقدامات و اتهامات علیه ایران، شرایط درونی و بیرونی لازم جهت امنیتی‌سازی و تهدید‌نمایی پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در فناوری‌های نوین را فراهم آورند و درنهایت از شکل‌گیری یک ایران قدرتمند و پیشرفته جلوگیری کنند.



## فَاعْلان امنیتی سازی ایران

در بحث مربوط به امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران همان طور که شرح داده شد، ماهیت امنیتی سازی ایران دچار تغییر و تحول شده و باتوجه به پیشرفت ها و توانمندی هایی که ایران اسلامی در سال های اخیر در حوزه فناوری های نوین و صنعت های مختلف داشته است، توجه کشورهای دشمن و رقیب به این مسئله جلب شده و تلاش دارند با امنیتی سازی پیشرفت های ایران اسلامی، بر سر راه آن مانع ایجاد کنند و یک جوسازی منفی و تهدیدنمایی در مجامع بین المللی علیه آن ایجاد کنند. کشورهایی را که به دنبال امنیتی سازی و تهدیدنمایی از پیشرفت های ایران اسلامی هستند و به عنوان فاعلان امنیتی سازی ایران شناخته می شوند، می توان در دو گروه کشورهای منطقه و فرامنطقه ای بررسی کرد.

### کشورهای منطقه

در حوزه منطقه کشورهایی که بیشتر از سایرین متوجه پیشرفت و توانمندی ایران بوده و این امر موجب نگرانی و ترس آنها شده و باعث شده که تلاش کنند تا در ادامه دشمنی های خود در مقابل پیشرفت ها و توانمندی های ایران اسلامی چالش و مانع ایجاد کنند، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی می باشند. رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در سالیان اخیر، تلاش زیادی برای تهدید جلوه دادن ایران کرده اند. تا پیش از برجام، بخش عمده ای از این تلاش ها پیرامون پرونده هسته ای ایران و متهم کردن ایران به گام برداشتن به سوی ساخت بمب اتم می چرخید، اما پس از حصول توافق هسته ای، با حفظ مواضع قبلی، رژیم صهیونیستی و برخی دولت های عرب منطقه، اتهامات جدیدی علیه ایران برای ایجاد تصور تهدید در نزد دیگران، وارد کرده اند.

رژیم صهیونیستی با مشاهده پیشرفت و توانمندی های جدید ایران اسلامی سعی دارد با جوسازی منفی و اتهامات جدید یک تهدید جدید از جانب ایران جلوه دهد و با امنیتی سازی و تهدیدنمایی موضوعاتی از جمله برد و قابلیت موشک های ایران، برنامه هسته ای یا تهدیدات سایبری، از ایران یک تصویر امنیتی جدید ایجاد کند. عربستان سعودی هم که در رقابت بر سر قدرت منطقه ای با ایران شرایط را به ضرر خود می بیند، در تلاش است با تهدیدنمایی از ایران و امنیتی سازی پیشرفت های هسته ای و موشکی ایران اسلامی و تهدید جلوه دادن این پیشرفت ها مانع از قدرتمند شدن هرچه بیشتر ایران در منطقه شود و کفه ترازو را برای خود مثبت کند؛ به همین دلیل است که اکثر مقامات سعودی در سخنرانی های خود سعی دارند توان موشکی دفاعی و هسته ای صلح آمیز ایران



را تهدید جلو دهند و امنیتی‌سازی کنند و برای مثال، در همین راستا پادشاه عربستان سعودی روز دوشنبه ۲۸ آبان (۱۹ نوامبر) در مجلس شورای این کشور که نهاد مشورتی مهمی برای دولت عربستان محسوب می‌شود، خواستار رویارویی جامعه بین‌المللی با برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران شد، یا در یک موضع‌گیری دیگر، وزیر امور خارجه عربستان عادل الجبیر در گفتگو با سی‌ان‌ان مدعی شد که بیش از ۱۰۰ موشک بالستیک تاکنون به سوی شهرهای عربستان شلیک شده که این موشک‌ها ساخت ایران هستند و شورشیان حوثی در یمن توانایی فنی به‌کارگیری چنین موشکی‌هایی را بدون کمک ایران ندارند (بخش سایت‌خوان روزنامه اقتصاد، ۱۳۹۷).

### کشورهای فرامنطقه‌ای

در خارج از منطقه هم کشورهای بسیاری در دشمنی و رقابت با ایران اسلامی سعی دارند مانع و کاهنده پیشرفت‌ها و موفقیت‌های ایران در عرصه‌های مختلف شوند و با استفاده از تهدیدنمایی و امنیتی‌سازی پیشرفت‌های ایران در صنعت‌های مختلف به دشمنی با آن بپردازند. اما در میان این کشورها اقدامات انگلیس و آمریکا در زمینه امنیتی‌سازی پیشرفت‌های ایران چشمگیرتر است و به‌عنوان فاعلان امنیتی‌سازی ایران نقش پررنگی داشته‌اند، به‌گونه‌ای که دائماً در تلاش بوده‌اند تا برنامه دفاع موشکی و صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را تهدیدنمایی و امنیتی کنند و پیشرفت‌های ایران در صنعت‌های مختلف را حرکت جهان به سوی بی‌ثباتی و ناامنی بیشتر جلوه دهند، لذا تأکید ما بیشتر بر اقدامات این دو کشور است.

در چند سال گذشته تلاش عمده غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه این بوده است که تهدید ایران را در جهان غرب جایگزین تهدید رژیم صهیونیستی کند و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان بازیگری غیرعادی در منطقه جلوه دهد. برنامه راهبردی آمریکا این است تا ایران تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی تلقی شود و با سیاست ایجاد هراس و تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در قبال ایران به دنبال تضعیف، تخریب و به‌حاشیه‌راندن ایران است (رنجکش و صمدی، ۱۳۹۵: ۷). یکی از شیوه‌های آمریکا در تحقق این پروژه، ایجاد عملیات روانی از طریق تبلیغات منفی، هیاهو و جنجال‌های رسانه‌ای علیه ایران است. در حال حاضر آمریکا با بزرگنمایی توان نظامی ایران و ترس از قدرتمند شدن ایران هسته‌ای، به دنبال امنیتی‌سازی پیشرفت‌های ایران است تا با این عمل هم مانع بر سر راه ایران ایجاد کند و هم بازار فروش تسلیحات خود را در منطقه رونق ببخشد (دارا و کلوانق، ۱۳۹۲: ۸). دونالد ترامپ در سخنرانی اخیر خود در مجمع



عمومی سازمان ملل با تکرار اتهامات خود علیه ایران و به منظور امنیتی کردن صنعت هسته‌ای و موشکی آن، اعلام کرد که «ایران به صورت غیرقانونی و پنهانی برنامه موشک بالستیک خود را پیش می‌برد و این رژیم (ایران) هرگز نباید بتواند به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. به همین دلیل، من در اوایل سال جاری اعلام کردم که آمریکا از توافق هسته‌ای ایران خارج می‌شود. این توافق افتضاح و یکجانبه به ایران اجازه داد تا مسیر خود را به سمت دستیابی به بمب هسته‌ای ادامه دهد» (سخنرانی دونالد ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل، ۲۵/۰۹/۲۰۱۸). پومپئو در ۲۱ ماه می ۲۰۱۸ تعدادی عناصر ضروری برای هر توافقنامه جدید با ایران را ذکر کرد که در یکی از این عناصر بیان داشت که: «ایران باید رفتار تهدیدآمیز خود علیه همسایگان خود را متوقف کند که بسیاری از آنها متحدان آمریکا هستند. این قطعاً شامل تهدیدهای آن برای نابودی رژیم صهیونیستی و شلیک موشک‌های آن به عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. همچنین شامل تهدیدهای حمل و نقل بین‌المللی و حملات مخرب... و حملات سایبری است» (Kerr and Katzman, 2018: 24-25).

مقامات امریکایی همواره تلاش کرده‌اند که ذهن مردم جهان را به این سمت بکشند که پیشرفت و توانمند شدن ایران به معنای افزایش تهدید برای جامعه بین‌المللی است و دستیابی ایران به فناوری و پیشرفت، جهان را ناامن می‌کند؛ چراکه آنها به هیچ عنوان حاضر به پذیرش یک ایران بزرگ و پیشرفته در کنار خود نیستند و با امنیتی سازی پیشرفت‌ها و توانمندی‌های ایران سعی در به چالش کشیدن آن دارند. بنابراین، می‌توان به آسانی ادعا کرد که آمریکا بزرگترین و مهم‌ترین بازیگر و فاعل امنیتی ساز اقدامات و پیشرفت‌های ایران اسلامی است. یک انجمن اطلاعاتی در آمریکا که برای دستگاه سیاست خارجی و امنیت ملی این کشور کار می‌کند، در سال ۲۰۱۸ در گزارشی با عنوان «ارزیابی تهدید در سراسر جهان»، بیان می‌کند: «ما بر این عقیده هستیم که ایران به دنبال تلاش برای نفوذ به شبکه‌های آمریکا و متحدان آن، به منظور جاسوسی و حملات سایبری است و تمرکز آن بیشتر بر دشمنان شرقی آن یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی می‌باشد» (Coats, 2018: 6).

از دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای که سعی در تهدیدنمایی و امنیتی سازی ایران و اقدامات آن دارد، کشور انگلیس است که در کنار آمریکا از مهم‌ترین کشورهای متخاصم با ایران و مانع بر سر راه پیشرفت آن بوده است. مقامات انگلیسی و رسانه‌های بزرگ آن از جمله بی‌بی‌سی، همواره سعی کرده‌اند با امنیتی سازی ایران و تهدیدنمایی پیشرفت‌های آن در صنعت و فناوری، ایران را به عنوان یک تهدید امنیتی برای جامعه بین‌المللی جلوه دهند. در



این خصوص، می‌توان به مواضع ضدایرانی و اتهام‌زنی‌های سیاسی مقامات انگلیسی علیه دولت ایران اشاره کرد. برای مثال، در دوره اصلاحات به ادعای ارتباط با گروه‌های تروریستی و سلاح اتمی و در دولت نهم و دهم تشدید بحران هسته‌ای، موضع‌گیری و تلاش‌های ضدایرانی دولت انگلستان آشکار شد. مقامات انگلیس با انتشار اخبار مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران، با این ادعا که در راستای گسترش تسلیحاتی و نظامی بوده، به تهدیدنمایی این فعالیت‌ها دامن زده و به دنبال امنیتی‌کردن آن بوده‌اند. وزیر دارایی انگلستان در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱، به بهانه اینکه بانک مرکزی ایران در خدمت عملیات بانکی برای گسترش فعالیت‌های هسته‌ای بوده است، اعلام کرد که دولت بریتانیا آن را تحریم می‌کند (نوری ساری، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۲). «آلیستر فنمور» افسر ارشد اطلاعاتی در دانشگاه ادین‌برگ، در روزنامه «تلگراف» مدعی شد؛ هکرهای ایرانی به سایت دانشگاه‌های اکسفورد و کمبریج نفوذ کرده و میلیون‌ها نسخه از مقالات و اسناد را از این دانشگاه‌های برتر انگلستان دزدیده‌اند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷).

بسیاری از شواهد و مستندات دیگر درخصوص تلاش‌های کشورهای رقیب و متخاصم با ایران به منظور امنیتی‌سازی و تهدیدنمایی فعالیت‌ها و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که شرح آنها در این پژوهش نمی‌گنجد، اما تمام این اتهامات، مواضع و اقدامات به سرکردگی امریکا، به منظور ایجاد مانع و چالش درمقابل پیشرفت‌ها و توانمندی‌های ایران می‌باشد تا به این طریق هم چهره‌ای امنیتی و تهدیدکننده در مجامع بین‌المللی از آن ایجاد کنند و هم مانع حرکت سریع ایران به سمت پیشرفت در فناوری و صنعت‌های مختلف شود. سران و مقامات این کشورها از هر ابزاری از جمله رسانه‌های گسترده خود، حضور در کنفرانس‌های خبری و شرکت و سخنرانی در سازمان‌های بین‌المللی به منظور اتهام و ادعاهای دروغین علیه ایران استفاده می‌کنند و مخاطب آنها نه فقط مقامات دیگر کشورها بلکه مردم سراسر دنیا می‌باشند تا به این طریق چهره‌ای امنیتی و تهدیدساز از ایران برای جامعه بشری جلوه دهند و مانع پیشرفت‌های روزافزون آن شوند. البته این نکته را باید شرح داد که ابزار و روش دشمنی در اینجا که همانا امنیتی‌سازی و تهدیدنمایی از پیشرفت‌های ایران اسلامی است درمیان این کشورهای متخاصم یکی و همسان می‌باشد، اما ماهیت دشمنی این کشورها تا حدودی متفاوت است، به این صورت که ماهیت دشمنی عربستان سعودی و امارت که هم مایه‌های ایدئولوژیکی و هم ژئوپلیتیکی را با خود دارد با نوع دشمنی راهبردی و ژئواکونومیک امریکا و انگلیس متفاوت است.





## نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت، روندهای مربوط به امنیتی سازی همواره به عنوان یکی از ابزارها و محورهای سیاست خارجی کنشگران در دو ساخت منطقه ای و بین المللی بوده است. اساساً تضادهای سیاسی، ایدئولوژیک، هویتی و... به نوعی مقوله فوق را برجسته تر ساخته است. انقلاب اسلامی ایران بیش از آنکه یک تحول صرف باشد، یک دگرگونی بنیادین در ساختارهای هنجاری و هویتی است که همین موضوع جهت گیری های متفاوت و متمایز سیاست خارجی را اجتناب ناپذیر می سازد. نقد ساختارهای ناعادلانه نظام بین الملل، به چالش طلبیدن هنجارهای لیبرال دموکراسی، تأکید بر صدور انقلاب، آزادی و... از جمله مواردی است که فرایندهای امنیتی سازی در ابتدای شکل گیری انقلاب را تشدید نمود. واکنش های منطقه ای در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس دربرگیرنده ترس و نگرانی از تسری انقلاب ایران به داخل مرزهای آنان و شکل گیری تغییرات احتمالی در ساختار سیاسی همانند انقلاب اسلامی ایران بود. نتیجه اینکه گفتمان متمایز و متفاوت برآمده از بطن انقلاب اسلامی دربرگیرنده نظام معنایی متفاوتی هم نسبت به کشورهای منطقه و هم در ارتباط با نظام بین الملل بود. واکنش دو سطح مذکور توسل به فرایند امنیتی سازی و تهدیدانگاری و تهدیدنمایی از ماهیت انقلاب اسلامی ایران بود، دامنه امنیتی سازی ایران به گونه ای تشدید شد که جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران در راستای کنترل و تضعیف آرمانها و اهداف این انقلاب نوپا به راه انداخته شد. سؤالی که از ابتدا در این مقاله مطرح شد این بود که فرایند امنیتی سازی ایران از بدو شکل گیری انقلاب اسلامی تاکنون دربرگیرنده چه تغییر و تحولی بوده است؟ اگر امنیتی سازی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت آزادی خواه انقلاب اسلامی، بحث صدور انقلاب و ایدئولوژی متمایز بوده است، به نظر می رسد استمرار این رویکرد در بسترهای دیگری طی دو دهه اخیر تشدید شده است. به نظر می رسد یک ایران با یک انقلاب نوپا طی یکی دو دهه اول شکل گیری با ماهیتی اساساً فرهنگی و سیاسی به مراتب تهدید کمتری نسبت به یک ایران پیشرفته در عرصه های علمی، فناوری، فناوری های نظامی، هسته ای و... دارد. اگر آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی در ابتدا پشتوانه ای قوی در عرصه های فوق الذکر نداشت امروز تأکید بر آرمانها، هنجارها و ایدئولوژی نظام از گذار تحولات علمی و فناورانه کشور مبنای باورپذیری و همچنین الگوپذیری بیشتری خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران در فضای تحریمها و فشارهای بین المللی در حوزه تولید علم و ورود به فناوری های جدید، ارتقای قابل توجهی در رتبه بندی جهانی پیدا می کند، فناوری و دانش بومی هسته ای را سازماندهی کرده و جزو کشورهای باشگاه هسته ای جهان می شود، فناوری نظامی خود را در حد قابل

توجه پیشرفت می‌دهد و هم اکنون به‌عنوان کنشگری مؤثر در عرصه تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای پذیرفته می‌شود و در راستای حل‌وفصل مدیریت بحران‌ها مشارکت داده می‌شود. همه زمینه‌های فوق باعث می‌شود که بسترهای امنیتی‌سازی و تهدیدنمایی ایران، ماهیتی جدیدتر و البته شدیدتر به خود گیرد؛ چراکه یک ایران توانمند در حوزه‌های مختلف و البته با حفظ استقلال کامل در مقابل قدرت‌های جهانی در حوزه هسته‌ای بیشتر از هر زمان دیگری قابلیت نفوذ و الگوسازی پیدا می‌کند. براین اساس فرایند امنیتی‌سازی بیشتر از هر زمانی در دستور کار قرار می‌گیرد که نمونه آن در موضوع هسته‌ای و دستاوردهای نظامی کشور به‌گونه‌ای جدی در دستور کار ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفت. خنثی‌سازی و مقابله با موانع و اقدامات امریکا و دیگر کشورهای غربی و رقبای منطقه‌ای بر سر راه پیشرفت ایران اسلامی، ارائه و اجرای برنامه‌ها و راهکارهای اساسی و دقیق را طلب می‌کند که نویسندگان نوشتار حاضر براساس مطالعات و ارزیابی‌های خود مواردی را در ذیل ذکر می‌کنند:

الف) لازم است هرچه‌بیشتر به سمت بومی‌سازی کامل پیشرفت و توانایی در زمینه‌های مختلف از جمله برنامه دفاعی و موشکی حرکت کنیم تا بتوانیم هرگونه تحریم و عدم همکاری سایر کشورها در این زمینه را خنثی کنیم.

ب) در برنامه‌ها و اقدامات خود در مسائل حساس مانند برنامه هسته‌ای و نظامی برای کشورها به‌ویژه کشورهای دوست و مردمان جهان شفاف‌سازی کرده و ماهیت صلح‌آمیز بودن آن را تشریح و اثبات کنیم.

ج) در زمینه‌های مختلف از جمله؛ گفتگو و دیپلماسی، پیشرفت در برنامه صلح و امنیت جهان، کمک به کشورهای فقیر و پیشرفت کشورهای عقب‌مانده و نهایتاً مبارزه با تروریسم و ناامنی در سطح جهان با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی همکاری و تلاش فراوان کنیم.

د) با تقویت تلاش‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای و... با تهدیدنمایی و اقدامات مخرب و سیاه‌نمایی امریکا و دشمنان جمهوری اسلامی ایران مقابله کرده و نیرنگ‌های آنان را خنثی کنیم.

## منابع

- امام خامنه‌ای (مدظله)، سید علی (۱۳۸۹)، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، قابل دسترس در سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله).
- احدی، افسانه (۱۳۸۸)، برنامه هسته‌ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱: ۲۷۰-۲۴۹.



- اسدی، بیژن (۱۳۸۲)، تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه‌ای، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال دوم، شماره یک: ۳۱-۲.
- امید، علی و مرادی‌فر، سعیده (۱۳۹۳)، برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران، **فصلنامه سیاست جهانی**، دور سوم، شماره چهارم: ۱۴۹-۱۲۱.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۹)، **دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- بردبار، احمدرضا و خواجه‌سروری، غلامرضا (۱۳۹۴)، نقش انگلستان در ایجاد چالش‌های هسته‌ای ایران براساس نظریه امنیت جمعی، **مطالعات راهبردی بسیج**، سال هجدهم، شماره ۶۶: ۹۷-۱۲۴.
- بوزان، بری و همکاران (۱۳۹۲)، **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، چاپ دوم، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورآخوندی، نادر (۱۳۹۲) راهبرد توسعه موشکی جمهوری اسلامی ایران، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، سال دوم، شماره هشتم: ۱۸۷-۱۶۹.
- حصیرچی، امیر و نیاوند، عباس (۱۳۹۰)، تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی در دهه چهارم انقلاب) ، **فصلنامه مطالعات بسیج**، سال چهارم، شماره ۵۰: ۸۲-۵۲.
- دارا، جلیل و کلوانق، ولی‌اله (۱۳۹۲)، ایران‌هراسی، ابزار هژمونی طلبی آمریکا در خاورمیانه، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۴: ۸۳-۶۱.
- دبیرخانه حوزوی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۱۳۹۴)، **الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ موانع و راهکارها**، قابل دسترس در سایت دبیرخانه، نوشته شده توسط: محمد ابویی مهریزی، قابل دسترس در: <http://www.olgou.org/publications/>
- دهقانی‌فیروزآبادی، جلال و قرشی، یوسف (۱۳۹۱)، نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال پانزدهم، شماره چهارم: ۴۲-۸.
- دهقانی‌فیروزآبادی، جلال و علوی، محمدعلی (۱۳۹۵)، روند امنیتی‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی رژیم صهیونیستی در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال پنجم، شماره ۱۷: ۵۸-۳۹.
- رستمی، فرزاد و نادری، مسعود (۱۳۹۵)، برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۲۷: ۲۱۸-۱۸۷.
- رنجکش، محمدجواد و صمدی فاطمه (۱۳۹۵)، **امنیت‌زدایی "امر امنیتی شده" ایران؛ پیش‌شرط توسعه**، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الگوی پایه پیشرفت، ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ماه.



- سجادیپور، سیدمحمدکاظم و اجتهادی، سعیده (۱۳۸۹)، نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه دانش سیاسی**، سال ششم، شماره اول: ۵۹-۲۵.
- سمتی، هادی و رهنورد، حمید (۱۳۸۸)، امنیتی‌شدن ایران و استراتژی امنیت ملی امریکا، **فصلنامه روابط خارجی**، سال اول شماره دوم: ۱۱۸-۸۹.
- صفوی، بهاره (۱۳۸۷)، ایران در مسیر پیشرفت علم و فناوری، **ویژه‌نامه انقلاب ماندگار**، روزنامه جام‌جم، شماره خبر: ۱۰۰۸۹۸۵۴۹۱۳۲، دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۸۷.
- عبدالله، عبدالمطلب و اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۲)، راهبرد سیاست خارجی امریکا درقبال انقلاب اسلامی ایران؛ تداوم یا تغییر؟ مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوباما و مسئله هسته‌ای ایران، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره هفتم: ۱۲۴-۱۰۳.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، **نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فرقانی، محمدمهدی و احمدی، علی (۱۳۹۰)، تصویرسازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال هجدهم، شماره ۶۷: ۹۰-۶۳.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۷)، مبنای نظری تحریم‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران: مقایسه دیپلماسی دولت‌های ترامپ و اوباما، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۰: ۱۰۰-۷۵.
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۷)، **رویکرد امریکا به موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران**، رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۳)، مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال هفتم، شماره ۲۲: ۵۷-۲۷.
- قیومی‌پور، رضا و همکاران (۱۳۹۷)، **ایران ۲۰ (روندپژوهی چهل‌سالگی جمهوری اسلامی ایران ۲)**: برترین جایگاه‌های ایران در آمارهای بین‌المللی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- مسعودی، حیدرعلی و احمدخان‌بیگی، سمانه (۱۳۹۱)، گفتمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درقبال برنامه هسته‌ای ایران (بررسی مقایسه‌ای گفتمان امریکا و کشورهای غیرمتعهد)، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۶، شماره یک: ۱۲۰-۹۵.
- معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری (۱۳۹۴)، **برنامه پیشرفت فناوری نانو در ایران ۱۴۰۴ (راهبرد ده‌ساله توسعه فناوری نانو)**، ستاد ویژه توسعه فناوری نانو، گزارش عملکرد اجرایی، قابل دسترس در: <http://nano.ir/section/1/108>



- نوری ساری، حجت‌اله (۱۳۹۲)، تحلیل روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با انگلستان باتأکید بر اقتصاد مقاومتی، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، سال شانزدهم، شماره ۶۱: ۱۷۸-۱۵۱.

- نیکو، حمید و سویلمی، مرتضی (۱۳۹۶)، جایگاه برنامه هسته‌ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، سال دهم، شماره ۳۷: ۱۷۱-۱۳۷.

- هرسیج، حسین و فتاحی، احمد (۱۳۸۹)، امنیت به‌منابۀ مفهومی وابسته و منازعه‌انگیز، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۲۴: ۲۱-۸۹.

- هفته‌نامه صبح صادق (۱۳۹۷)، پروژه ویسکانسین به‌دنبال چیست؟ (موشک‌های ایرانی در سیبل توطئه‌های جدید امریکایی- صهیونیستی)، **هفته‌نامه داخلی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی**، سال نوزدهم، شماره ۸۸۸: ۱۲-۱. **سایت‌ها**

- بخش سایت‌خوان روزنامه اقتصاد (۱۳۹۷) عربستان: ایران از برنامه موشکی خود دست بردارد، قابل دسترسی در:

<https://donya-e-eqtesad.com/>

- پایگاه خبرگزاری صداوسیما (۱۳۹۴) مروری بر دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه فناوری هسته‌ای، قابل دسترسی در:

<http://www.iribnews.ir/fa/news/998434>

- خبرگزاری فارس (۱۳۹۷) لندن: ایران ارسال سلاح به یمن را متوقف کند، قابل دسترسی در:

<https://www.farsnews.com/news/1397/>

- سخنرانی دونالد ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل (۲۰۱۸) ترامپ اتهامات خود را علیه ایران تکرار کرد، ۲۰۱۸/۰۹/۲۵، قابل دسترسی در سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، به نشانی:

<https://www.irna.ir/news/83045478/>

- [https://www.irna.ir/news/83045478/Burnell, Peter & Richard Al- Al-qadhi Mohammad Hassan \(2017\) "The Iranian role in Yemen", Arabian Gulf Centre for Iranian Studies, www.arabiangcis.org](https://www.irna.ir/news/83045478/Burnell, Peter & Richard Al- Al-qadhi Mohammad Hassan (2017) 'The Iranian role in Yemen', Arabian Gulf Centre for Iranian Studies, www.arabiangcis.org)

- Bigo, Didier (2002) "Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease", *Alternatives*, 27 (Special Issue).

- Bown, Wyn Q. & Kidd, Joanna (2004) "The Iranian Nuclear Challenge", *International Affairs*, Vol. 80, No. 2, Israeli- Palestinian Conflict.

- Brookes peter (2007) "Iran: Time for Sanctions of the Willing", at: <https://www.heritage.org/middle-east/report/iran-time-sanctions-the-willing>.

- Byman Daniel (2015) "State Sponsor of Terror: The Global Threat of Iran", **House Committee on Foreign Affairs Subcommittee on Terrorism, Nonproliferation**.

- Coats daniel (2018) "Worldwide Threat Assessment", **US Intelligence Community**, Statement for the record, February 13, 2018.



- **Congressional Research Service** (2004) RL 30427, Missile Survey: Ballistic and Cruise Missiles of Foreign Countries, March, at: [http://www.mansfieldfdn.org/pubs/pub\\_pdfs/US-ROK\\_chpt\\_5](http://www.mansfieldfdn.org/pubs/pub_pdfs/US-ROK_chpt_5).

- **Congressional Research Service** (2019) "Iran's Foreign and Defense Policies", <https://crsreports.congress.gov/>, R44017.

- **Council On Forigen Relations** (2011) "State Sponsors: Iran", Backgrounder by Greg Bruno Last updated October 13, 2011, at: <https://www.cfr.org/backgrounder/State-Sponsors-Iran>.

- Daalder Ivo H. and Lindsay James M. (2003) "The Bush Revolution: The Remaking of America's Foreign Policy", **The Brookings Institution**, May 2003.

- Fabozzi, Frank J. & Kothari, Vinod (2008) "Introduction to Securitization", **John Wiley & Sons, Inc.USA**.

- Haghshenass, Fariborz (2008) "Iran's Asymmetric Naval Warfare", **Policy Focus 87 The Washington institute for near east policy**.

- Jutila, Matti (2006) "Desecuritizing Minority Rights: Against Determinism", **Security Dialogue**, Vol. 37, No.2, pp 167-185.

- Kerr Paul K. and Kenneth Katzman (2018) "Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit", **Congressional Research Service**, Congressional Research Service 7-5700 [www.crs.gov](http://www.crs.gov) R43333.

- Kutchesfahani, Sara (2006) "Iran's nuclear challenge and European diplomacy", **European Security & Global Governance**, EPC Issue Paper No.46.

- Levitt, Matthew (2012) "Iran's Support for Terrorism in the Middle East", The Washington Institute for Near East Policy, July 25, 2012.

- McDonald . Matt (2008) "Securitization and the Construction of Security", **European Journal of International Relations** , Vol.14, No.4, PP 563-587.

- **Scimago institutions ranking** (2015) "Countryrank", Available in: <https://www.Scimagojr.com/countryrank.php?year=2015>.

-Taylor, Claire (2009) "Iran: Conventional Military Capabilities", **International Affairs and Defence Section**, SN/IA/4264.

-The EastWest Institute (2009) "Iran's Nuclear and Missile Potential", 700 **Broadway, New York, NY 10003**, 212.824.4100, [communications@ewi.info](mailto:communications@ewi.info).

-**U.S. Department of State** (2005) "Country Reports on Terrorism 2004", April, at: [http://www.globalsecurity.org/intell/library/congress/2006\\_rpt/alqaeda\\_hpsci\\_109-615-05.htm](http://www.globalsecurity.org/intell/library/congress/2006_rpt/alqaeda_hpsci_109-615-05.htm).

- Walker, Robin E. & Seegers, Annette (2012) "Securisation: the Case of Post United States Africa Policy, Scientia Militaria", **South African Journal of Military Studies**, Vol.40, No.2, 2012, pp22-45.

-Williams, Michael C.(2003) "Words, Images, and Enemies: Securitization and International Politics", **International Studies Quarterly**, Vol. 47, No. 4.

